خروج از غبار

همزمان با سالروز ربوده شدن حاج احمد متوسلیان و همراهانش، خبر شهادت احتمالی آنها منتشر شده است

۱۰

به مناسبت چهاردهم تیر، روز تولد کیوان ساکت، هنرمند بزرگ عرصه موسیقی با او به گفت‌وگو نشستیم

اگر موسیقی نبود من هم نبودم

پیمان طالبی

ادبیات و هنر

کیوان ساکت در موسیقی ما نامی آشناست. از آلبوم‌های خاطره‌انگیز «ایرج بسطامی» گرفته تا ارکستر بزرگی که در این سال‌ها با بیش از ۶۰ نوازنده و خواننده همکاری داشته است. کتاب‌های ردیف کاربردی موسیقی ملی ساکت بعد از سال‌ها هنوز جدی‌ترین و مورد اطمینان‌ترین منبع برای تدریس توسط مدرسین تار و سه‌تار است. ساکت در همه این سال‌ها کوشیده است تا نگرشی علمی‌تر به موسیقی و نوازندگی ایرانی داشته باشد و نیز در نواختن تار و ابداع تکنیک‌های نو پس از استاد وزیری، ابداعات و تغییراتی ایجاد کند که امروزه علاقه‌مندان بسیاری یافته است. وی در اغلب شهرهای ایران به دعوت انجمن‌ها و سازمان‌ها و افراد مختلف اجراهای بسیاری داشته که همواره با استقبال علاقه‌مندان و فرهیختگان موسیقی روبه‌رو بوده است. این هنرمند خراسانی امروز ۵۹ ساله می‌شود و ما در آستانه ۶۰ سالگی با او به گفت‌وگو نشسته‌ایم تا حال و هوای این روزهای کیوان ساکت را بدانیم.

چندین ماه است که به خاطر شیوع ویروس کرونا، هنرمندان در قرنطینه به سر می‌برند. شما این روزها را چگونه گذراندید و می‌گذرانید؟

من در دورانی که همراه خانواده در قرنطینه خانگی می‌گذراندم، بسیار پرکار بوده‌ام و این دوره به یکی از پرکارترین دوره‌های کاری من در این سال‌ها تبدیل شده است. در این بازه زمانی کارهای بسیاری انجام دادم و برایم فرصتی مهیا شد تا روی ایده‌های جدید که تعدادشان کم هم نیست، به طور جدی کار کنم. در کل قرنطینه خانگی برای من زمان مناسبی برای کار بیشتر بود.

تعدادی از این کارها را برایمان معرفی کنید.

در این روزها، گروه بانوان وزیری را بنیان نهادم که به صورت آنلاین در این مدت تمریناتی را با اعضای آن انجام دادم. همچنین کتاب سومم که نیاز به ویرایش و بازنگری داشت، دوباره‌نویسی و ویرایش کردم تا میزان کارایی آن برای هنرجویان و مدرسان بیشتر شود. من در همه این سال‌ها کتاب‌هایم را ویرایش و بازنویسی کرده‌ام تا فرآیند کار هرچه کم‌ایرادتر برای درس دادن آماده شود. در بازنویسی کتاب سوم هم تغییراتی را در تکنیک‌ها و انگشت‌گذاری‌ها و به‌طورکلی تمام نکاتی که هنرجو نیاز دارد تا برای گسترش کار خود با آنها آشنا شود، اعمال کردم. علاوه بر همه اینها چند آلبوم نیز تولید و ضبط کرده‌ایم که مراحل تولید آنها به طور کامل به اتمام رسیده و با عادی شدن شرایط و برطرف شدن مشکل ویروس کرونا در جامعه، با برگزاری رونمایی باید به بازار موسیقی عرضه شوند.

در مورد این آلبوم‌ها برایمان بیشتر توضیح دهید.

اولین آلبوم، مربوط به کتاب ردیف کاربردی من است که اجرای آن با صدای وحید تاج همراه شده است. دو آلبوم دیگر بداهه‌نوازی سه‌تار و پیانو، در آوازها و دستگاه‌های گوناگون ایرانی است و شامل دو مجموعه (یك و دو) می‌شود. آلبوم بعدی که برای من تجربه بسیار ارزشمندی است، آلبومی در موسیقی بختیاری با تنظیمات جدید و هارمونیك است که با صدای آقای عدنانی ضبط شده است. از اینها که بگذریم، دو آلبوم نیمه‌کاره هم دارم؛ اولی در ادامه «شرق اندوه»، که به دلیل شرایط امروز کشور در زمان شیوع ویروس کرونا، از ضبط ادامه آن دست کشیده‌ایم و آلبوم دیگر نیز در همین راستاست و به خاطر شرایط خاص کشور تولید آن فعلا به حالت تعلیق درآمده اما به‌زودی و در زمان مقتضی این دو آلبوم را به اتمام خواهم رساند.

در ایام کرونا بسیاری از هنرمندان به افسردگی و سستی مبتلا شدند. شما چگونه توانستید به این احساسات ناخوشایند غلبه کنید و این قدر پرکار باشید؟

من به طور جدی و روزانه زمان مشخصی را به ورزش اختصاص می‌دهم و ورزش نقش بسیار مهمی در حفظ روحیه من در روزگار کرونا داشته است. اما از این گذشته باید بگویم موسیقی نقش بسیار پررنگی در زندگی من دارد و در ایام کرونا نیز آنچه بیش از هر چیز دیگر روحیه امید و انگیزه را در من نگه داشت، موسیقی بود. همان‌طور که می‌دانید در این ایام، هرگونه قرار ملاقات یا جلسه‌ای تعطیل بود و کلاس‌های من در دانشگاه نیز برگزار نمی‌شد، بنابراین من تمام وقت مفیدم را به تمرین و نوشتن گذراندم و سعی کردم تا آنجا که می‌توانم با موسیقی روزگار بگذرانم. همین شد که دو کار ویژه نیز در ایام قرنطینه انجام دادم که یکی از آنها با صدای آقای عقیلی و تقدیم به استاد شجریان - که آرزوی سلامت برای ایشان دارم - تولید شده و به‌زودی منتشر خواهد شد. کار دیگری نیز با موضوع ایران تولید کرده‌ام که هنوز تصمیم قطعی برای خواننده این اثر نگرفته‌ام و آن هم البته به‌زودی منتشر خواهد شد. اشعار هردوی این قطعات را دو بانوی شاعر سروده‌اند که هرچند گمنام هستند، اما بی‌نام نیستند و هر دو شعر از قوت بسیار بالایی برخوردارند و بسیار زیبا و دلنشین هستند.

در آستانه ۵۹ سالگی، آیا به این فکر کرده‌اید که اگر به سراغ موسیقی نمی‌رفتید، چه کار دیگری را برای خود برمی‌گزیدید؟

واقعیتش این است که من تا حالا به این مساله فکر نکرده‌ام چون زندگی بدون هنر و به‌ویژه بدون موسیقی مفهوم و معنای خود را برای من از دست می‌داد. موسیقی و به‌ویژه موسیقی ایرانی آنچنان تاثیری را بر من می‌گذارد که در مقایسه با همه چیز در این جهان این تاثیر ممتاز و متمایز است. فکر می‌کنم اگر موسیقی نبود، من هم نبودم.

بعد از این همه سال کار مفید در موسیقی، آرزویی در زندگی شخصی یا حرفه‌ای خود دارید؟

هیچ آرزویی ندارم به جز این‌که مردم کشورم در آرامش و امنیت به‌سر ببرند چراکه در سایه آرامش و امنیت می‌توان جامعه‌ای بالنده، فهیم و مهربان داشت. من در زندگی کاری خود آرزویی ندارم و تنها همین را می‌خواهم که مردم شریف وطنم روی صلح و آرامش را ببینند، چراکه این آرامش حق آنهاست.

طی این سال‌ها، خاطره ویژه‌ای یا لحظه پررنگی در زندگی حرفه‌ای خود داشته‌اید؟

تمام لحظه لحظه این سال‌ها که من به موسیقی پرداخته‌ام برایم خاطره‌انگیز است. وقتی اثری خلق می‌شود و به نقطه پایان تولید خود می‌رسد، این لحظه آنقدر برای من دلپذیر است که احساس می‌کنم یك موجود را از هیچ، جان داده‌ام و آن را آفریده‌ام. این لحظه برای من بسیار لذت‌بخش و خاطره‌انگیز است. من در ساخت تمام قطعاتم این لحظه خاطره‌انگیز را تجربه کرده‌ام و از آن لذت برده‌ام چراکه من با آثارم زندگی می‌کنم. گاهی اوقات این آثار را با خود مرور و در خلوت خود سماع می‌کنم و شیدا وار دور خود می‌چرخم. البته نمی‌خواهم گمان کنید دچار خودشیفتگی هستم بلکه تنها عاشق هنر و موسیقی هستم. اما برای من همه اینها خاطره‌انگیزند و من در تمامی این سال‌ها که در موسیقی فعالیت داشته‌ام، با آنها زندگی کرده‌ام

طرح: حسین صافی

واقعه

یک زخم دیرینه...

چهاردهم تیر، سالروز درگذشت عباس کیارستمی است

در تاریخ شنبه ۱۴ فروردین ۱۳۹۵ خبری مبنی بر این‌که عباس کیارستمی از سرطان دستگاه گوارش رنج می‌برد منتشر شد. او بعد از چند عمل جراحی برای ادامه درمان با هزینه تهیه‌کننده فیلم آخرش که ساخته نشد، راهی فرانسه شد اما پس از چند روز به علت لخته شدن خون، سکته مغزی کرد و در پاریس درگذشت. با مرگ کیارستمی شایعاتی مبنی بر اشتباه پزشکی در این فقره قوت گرفت. تا این‌که با پیگیری هنرمندان دادگاهی برای بررسی ابعاد مختلف این پرونده و ظن «اشتباه پزشکی» برای دکتر احمد میر؛ پزشک معالج مرحوم کیارستمی تشکیل شد و بر همین اساس، مقرر شد سه سال گواهی عدم سوء پیشینه برای این پزشک صادر نشود و به همین علت نمی‌تواند مسؤولیت‌هایی مانند بخش فنی مراکز درمانی را برعهده بگیرد یا موسس مرکز درمانی باشد. حکم نهایی دادگاه «قصور پزشکی» در این مورد بود.

اما مسأله اشتباه پزشکی برای اهالی فرهنگ و هنر موضوع تازه‌ای نیست. ابوالفتح اعتصامی - برادر پروین اعتصامی - در کتاب «معجزه پروین» (به کوشش مجید قدمیاری) مطلبی در باب مرگ خواهرش در عنفوان جوانی گفته‌است که خواندنش خالی از لطف نیست: «طبیب معالج [پروین] علی معین‌الحکماء بود. بر اثر مداوای غلط و سهل‌انگاری و اطمینانات مؤکد او دایر به موفقیت حتمی و قطعی در معالجه (حتی در آخرین روز بیماری) کسانِ بیمار، امیدوار و غافل نشستند و فرصت مداوای صحیح را از دست دادند. در شب فوت، این «طبیب» با وجود استحضار بر وخامت حال بیمار و علی‌رغم مراجعات پی‌درپی کسان وی، به بالین مریض حاضر نشد. «طبیب» مزبور مرض را حصبه اعلام نموده‌بود.» به قول خود پروین: «فرصت گذشته بود و مداوا ثمر نداشت». نمونه‌های قصور پزشکی در سینما و ادبیات را گفتیم، حال سراغ رسانه می‌رویم. محمدرضا رستمی روزنامه‌نگار برجسته در سال ۹۵ در پی یک عمل جراحی از دنیا می‌رود. کمیسیون پزشکی رای به ۱۰ درصد خطای پزشکی می‌دهد اما همسر او، الهه خسروی چیز دیگر می‌گوید: «درمورد همسرم، سردرد ساده‌ای ناگهان به مصیبتی بزرگ تبدیل شد. همسر من براساس تشخیص بیماری ادنوم هیپوفیز در بیمارستان بستری شد. مشورت‌های اولیه با پزشک مبنی بر این بود که تومور خوش‌خیم است و با انجام عملی از طریق بینی، تومور بیرون کشیده می‌شود اما چنین نشد. عمل انجام شد و همسرم به کما رفت؛ نتیجه؟ فوت بر اثر سکته قلبی و مغزی همزمان. بعدها ثابت شد که تشخیص پزشک و عمل او اشتباه بوده است.»

کاغذ اخبار

فیلم کیمیایی مجوز نمایش گرفت

شورای پروانه نمایش فیلم‌های سینمایی برای دو فیلم مجوز نمایش صادر کرد.

شورای پروانه نمایش فیلم‌های سینمایی در جلسه اخیر که با حضور اکثریت اعضا برگزار شد، با مجوز نمایش برای فیلم‌های «خون شد» به تهیه‌کنندگی جواد نوروزبیگی و کارگردانی و نویسندگی مسعود کیمیایی با درجه‌بندی سنی ۱۲+ و «نارگیل» به تهیه‌کنندگی سید ابراهیم عامریان، کارگردانی سید داوود اطیابی و نویسندگی حمزه صالحی موافقت کرد.

/ایسنا

ترجمه «خانه گربه‌ها» به فارسی

مریوان حلبچه‌ای از ترجمه رمان کردی «خانه گربه‌ها» نوشته هیوا قادر خبر داد. این مترجم زبان کردی درباره نویسنده این کتاب گفت: خانه گربه‌ها توسط هیوا قادر به زبان کردی نوشته شده است.

او از شاعران، نویسندگان و مترجمان کردزبانی است که در کارنامه کاری‌اش پنج رمان، پنج مجموعه شعر و چندین کتاب ترجمه از زبانی سوئدی به کردی دیده می‌شود؛ از جمله ترجمه آثار نویسنده‌هایی چون «جنگ چهره زنانه ندارد» سوتلانا الکسیویچ بلاروسی و «سایه باد» از کارلوس روئیس سافون نویسنده سرشناس اسپانیایی. /

ایسنا

آیا این مجسمه متعلق به شهید سلیمانی است؟

اخیرا مجسمه‌ای پوشانده‌شده در محوطه معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نصب‌شده که گفته می‌شود سردیس برنزی سپهبد شهید قاسم سلیمانی است.

افرادی که اخیرا به محوطه معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در مجاورت تالار وحدت مراجعه کرده‌اند، با مجسمه‌ای مواجه می‌شوند که روی آن پوشانده شده است.

طبق برخی ادعاها، این مجسمه سردیس سپهبد شهید قاسم سلیمانی است که توسط صبرعلی لوایی، بهمن سال گذشته در دوازدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر ساخته شد. لوایی تاکنون سردیس‌های متعددی از قهرمانان ملی و قهرمانان هشت سال دفاع مقدس را ساخته و خمیر زده است.

/فارس